

مطالعه زمینه‌ها و انگیزه‌های اسیدپاشی در بستر مناسبات جنسیتی و نابرابری‌های اجتماعی

مرضیه ابراهیمی^۱

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

زهرا میرحسینی^۲

استادیار گروه مطالعات زنان و خانواده دانشگاه

الزهرا (نویسنده مسئول)

چکیده

مقاله حاضر مبتنی بر پژوهشی کیفی است که هدف آن مطالعه زمینه‌ها و انگیزه‌های اسیدپاشی با در نظر گرفتن ملاحظات جنسیتی است؛ از این رو تلاش شده تا با رویکرد نظریه داده‌بنیاد و انجام مصاحبه‌های عمیق کیفی با ۹ نفر که سابقه اسیدپاشی دارند، داده‌ها و اطلاعات لازم جمع‌آوری شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زمینه‌ها و بسترهای اسیدپاشی در قالب سه مفهوم «زمینه‌های خانوادگی»، «سبک زندگی پرمخاطره» و «تحقیر اجتماعی»، قابل مقوله‌بندی است. علاوه بر این، «انتقام‌جویی و احساس نفرت از قربانی»، «نمایش قدرت و تلاش برای به‌انقیاد کشاندن قربانی» شرایط علی این عمل و «عضویت در خرده‌فرهنگ‌های بزهکار و خشونت‌طلب»، «دسترسی به مواد اسیدی» و «ناآگاهی از نوع مجازات و کم‌اثر بودن آنها» مقولاتی هستند که شرایط مداخله‌گر در ارتکاب اسیدپاشی را نشان می‌دهد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که اسیدپاشان مصاحبه‌شونده، معمولاً برای ارتکاب اسیدپاشی به استراتژی‌ها و راهکارهای «توجیه‌سازی و مقصرانگاری قربانی» و همچنین «نادیده گرفتن قانون» متوسل می‌شوند. مقوله «اسیدپاشی به‌مثابه مجازات، تنبیه و زجر دائمی قربانی» نیز به‌عنوان مقوله محوری در تمام داده‌ها و مقوله‌های پژوهش آشکار شده است.

واژگان کلیدی: اسیدپاشی، مناسبات جنسیتی، نابرابری‌های اجتماعی، انتقام‌جویی.

۱. آدرس الکترونیکی: Ma_ebrahimi@mail.sbu.ac.ir

۲. آدرس الکترونیکی: z.mirhosseini@alzahra.ac.ir

مقدمه

اسیدپاشی اقدامی خشونت‌آمیز است که در آن فرد مهاجم، اسید را بر روی سر، صورت و بدن فرد قربانی می‌پاشد و معمولاً این عمل با انگیزه تباه‌ساختن آینده و منزوی کردن همیشگی قربانیان صورت می‌گیرد؛ از این رو ممکن است تعداد زیادی از قربانیان تا مدت‌ها درگیر صدمات جسمانی و روانی آن باشند (کالانتری و کستن باتوم، ۲۰۱۱ به نقل از سبزی خوشنما و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۸). علاوه بر این، اسیدپاشی از جمله رفتارهای خشونت‌باری است که ارتکاب آن می‌تواند موجب تشویش اذهان عمومی و نگرانی‌های اجتماعی شود و مانند هر جرم و بزه دیگر برهم‌زننده نظم و امنیت اجتماعی است. در کشور ایران نیز هر زمان اخباری در ارتباط با اسیدپاشی منتشر می‌شود تا مدت‌ها افکار عمومی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در برخی موارد نیز موجب ترس و نگرانی در جامعه می‌شود. به نظر می‌رسد علت این اضطراب اجتماعی، علاوه بر صدمات جسمی و روانی بسیار زیاد، ناشناخته‌بودن ابعاد آن و ناآگاهی از انگیزه‌ها و زمینه‌های ارتکاب اسیدپاشی باشد؛ به طوری که برخی از افراد ممکن است از اینکه روزی قربانی اسیدپاشی شوند، احساس ترس و نگرانی کنند، هرچند با توجه به رابطه معنادار بین جنسیت و اسیدپاشی، ممکن است زنان بیش از مردان احساس ترس و ناامنی کنند (آقاخانی و دیگران، ۱۳۹۲).

چنانچه در گزارش جهانی ۲۰۱۰ نیز اعلام شده است، در بیشتر حملات اسیدپاشی در پاکستان، بیشتر قربانیان زنان هستند که از سوی همسر و خانواده وی دچار صدمه شده‌اند (سولبرگ، ۲۰۱۰، به نقل از سبزی خوشنما و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۰). اسیدپاشی جرمی است که معمولاً علیه زنان رخ می‌دهد و این امر بیشتر در جوامعی که زنان در موضعی فرودست تر بوده و با انواع نابرابری‌های اجتماعی و جنسیتی مواجه هستند، بیشتر شیوع دارد و مسئله اغلب به‌منظور ارباب آنها و به‌عنوان یک روش تهدیدآمیز از سوی مردان برای نگه‌داشتن زنان در حالتی از ترس و وحشت اتفاق می‌افتد (میتال و داتاروال، ۱۳۹۶: ۶۵۱-۶۵۲).

نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد، سابقه اسیدپاشی در بیشتر کشورهای دنیا وجود دارد؛ ولی آنچه نگران‌کننده است، روند رو به رشد این پدیده در برخی کشورهای جنوب و جنوب شرق آسیا، نظیر هند، بنگلادش، پاکستان، افغانستان و غیره است (میلتون و دیگران، ۲۰۱۰؛ منان و دیگران، ۲۰۰۶؛ اساریا و دیگران، ۲۰۰۴).

به نظر می‌رسد، با توجه به پیامدهای ناگوار اسیدپاشی بر زندگی قربانیان، نظیر ایجاد صدمات جسمی و جراحات‌های بدشکل و پایدار از یک سو و از سوی دیگر تهدید سلامت روان فرد، اضطراب و افسردگی فزاینده، کناره‌گیری اجتماعی و ازدست‌رفتن فرصت‌های زندگی و همچنین گسترش خشونت در جامعه و برهم‌خوردن نظم اجتماعی، گسترش احساس ناامنی اجتماعی و درنهایت احساس نابرابری اجتماعی و فرودستی جنسیتی برای زنان، بیش‌ازپیش لزوم پژوهش‌هایی در زمینه بررسی انگیزه‌ها و زمینه‌های اسیدپاشی، به‌منظور کاهش و پیشگیری از این عمل ضروری است؛ ازاین‌رو در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از روش تحقیق کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد، انگیزه‌ها و بسترهای اسیدپاشی بنا بر روایت اسیدپاشان، بررسی و تحلیل شود.

پیشینه پژوهش و مروری بر مبانی نظری پژوهش

مطالعات انجام‌شده در رابطه با اسیدپاشی نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های این حوزه با محوریت قربانیان و مطالعه پیامدهای اسیدپاشی انجام شده است. از طرفی برخی پژوهشگران نیز با رویکردی حقوقی به بررسی ابعاد پدیده اسیدپاشی و مجازات آن پرداخته‌اند؛ باین‌حال در رابطه با انگیزه مجرمان و علل ارتکاب پدیده اسیدپاشی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

بیسواز^۱ (۲۰۱۸)، پژوهشی درباره ۲۲۵ مورد اسیدپاشی گزارش شده در هند انجام داده است که از این تعداد ۱۲۲ نفر از منطقه جنوب و ۱۲۳ نفر از منطقه شرقی هند بوده‌اند.

1. Biswas

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، در منطقه شرقی هند بیشتر قربانیان زنان جوان هستند که قربانی اقدام خشونت‌بار مردان جوان شده‌اند. این پژوهش همچنین نشان داد، اغلب اسیدپاشی‌ها به علت رد پیشنهاد نامشروع (فارغ از وضعیت تأهل قربانیان) صورت گرفته است؛ علاوه بر این بیشتر اسیدپاشی‌ها در روز روشن و توسط شخصی که قربانی او را از قبل می‌شناخته، اتفاق افتاده است. درعین حال تحصیلات، وضعیت اشتغال و منطقه وقوع معنادار نبوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در منطقه جنوب و شرق کشور هند، از هر ۱۰ نفر قربانی اسیدپاشی، ۹ نفر آنها زن است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اسیدپاشی نیز نوع دیگری از خشونت علیه زنان است. بیسواز (۲۰۱۸)، به این نکته اشاره کرده است که تا اواسط سال ۲۰۱۳، هیچ قانون جداگانه‌ای برای مقابله با اسیدپاشی در هند وجود نداشت و به همین دلیل اسیدپاشی معمولاً ارزان‌ترین روش و قوی‌ترین سلاح در هند بوده که استفاده از آن، کمترین مجازات را برای مرتکبان در پی داشته است. از نظر وی این مسئله موجب شده است که اسید به‌عنوان محبوب‌ترین وسیله در میان مردان شناخته شود که برای همیشه می‌تواند جسم، ذهن و روان یک زن را ناقص کند (بیسواز، ۲۰۱۸).

ونکاتارامان^۱ (۲۰۱۶)، پژوهش دیگری را با موضوع اسیدپاشی در هند انجام داد که در آن ادعا شده است تعداد واقعی موارد اسیدپاشی بسیار بیشتر از آن چیزی است که آمارها نشان می‌دهد؛ چراکه در بسیاری از مواقع، به دلایل اجتماعی و یا اقتصادی اسیدپاشی گزارش نشده و به‌نوعی با آمار سیاه جرمی مواجه است. از نظر ونکاتارامان (۲۰۱۶)، ممکن است تعداد زیادی از حملات اسیدپاشی به دلایلی نظیر اینکه اسیدپاش نزدیک‌ترین خویشاوندی با قربانی داشته و از اعضای خانواده او باشد و یا فرد قربانی وابستگی اقتصادی به اسیدپاش داشته باشد، هرگز گزارش نشود (ونکاتارامان، ۲۰۱۶ به نقل از بیسواز، ۲۰۱۸: ۳۱۱).

1. Venkataraman

در ایران نیز نتایج پژوهش‌های سبزی خوشنامی و دیگران (۱۳۹۴)، بر روی قربانیان اسیدپاشی نشان می‌دهد که «بافت و زمینه‌های سنتی» و مقوله «ارزشمندی زیبایی» بستری است که قربانیان اسیدپاشی در آنها، پیامدهای حاصل از این پدیده را تجربه می‌کنند. همچنین درصد سوختگی، ازدست‌رفتن زیبایی و تحصیلات به‌منزله شرایط میانجی در این تجربه نقش دارد و مقوله‌های محرومیت اجتماعی، سرسخت‌شدن، درماندگی و بازماندن نیز پیامدهای پدیده اسیدپاشی است که قربانیان آنها را تجربه کرده‌اند.

در پژوهشی که توسط آقاخانی و همکاران (۱۳۹۲)، با عنوان «بررسی اپیدمیولوژیک موارد سوختگی ناشی از مواد سوزاننده در بیمارستان شهید مطهری تهران از سال ۱۳۸۵-۱۳۹۰» در یک مطالعه مقطعی-تحلیلی انجام شد، پرونده ۱۷۱ بیمار که به علت سوختگی با اسید مراجعه کرده بودند، بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که بین روش سوختگی و مکان وقوع حادثه و همچنین روش سوختگی و جنسیت اختلاف معناداری وجود دارد. با توجه به پژوهش‌های بررسی شده به نظر می‌رسد جای تحقیقات کیفی و اکتشافی در رابطه با این موضوع که بتواند انگیزه‌ها و علل اسیدپاشی را موردبررسی قرار دهد، خالی است؛ ازاین‌رو تمایز اصلی این پژوهش با پژوهش‌های پیشین در به‌کارگیری روش پژوهش کیفی و تمرکز بر شنیدن روایت‌ها و تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگانی است که تجربه زیسته مشترک اسیدپاشی داشته و هر یک با توجه به ویژگی‌های فردی و اجتماعی منحصربه‌فردی که داشته‌اند، ابعاد پنهان و ناشناخته تجربه خویش را روایت کرده‌اند.

ملاحظات نظری

با وجود آنکه در پژوهش‌های کیفی، فرضیه‌آزمایی و نظریه‌آزمایی، همانند آنچه در پژوهش‌های کمی وجود دارد، مدنظر نیست؛ بااین‌حال از نظریه‌ها و مفاهیم موجود نظری به‌عنوان چارچوب‌های ارجاعی و استنادی و همچنین به‌منظور افزایش سطح آگاهی و

افزایش حساسیت نظری در تمام مراحل پژوهش، از جمع‌آوری تا تحلیل داده‌ها استفاده شده است. در ادامه برخی مفاهیم نظری و نظریه‌های موجود، مطالعه و بررسی شده است.

رویکرد انتخاب عقلانی

کوهن و فلسون^۱ (۱۹۷۹)، وقوع جرم را نتیجه همگرایی سه عامل مجرم با انگیزه، قربانی بالقوه یا اهداف مناسب و عدم نظارت ناظران می‌دانند (کوهن و فلسون، ۱۹۷۹ به نقل از فارل^۲ و دیگران، ۱۳۸۵) که موجب شده به نوعی جرم و کج‌روی در زندگی روزمره انسان جای گیرد. از نظر آنها جرم زمانی به وقوع می‌پیوندد که شرایط ذکر شده برای بزهکاران فراهم باشد و آنها با محاسبه و سنجش سود و زیان خود و هزینه‌های مادی و معنوی عمل، اقدام به بزهکاری کنند. در حقیقت این رویکرد معتقد است که تصمیم‌های مجرمان برای ارتکاب جرم همواره با نوعی حسابگری و انتخاب عقلانی همراه است. بر اساس این رهیافت نظری، شیوه زندگی بزه‌دیدگان، نظیر هم‌نشینی و مجاورت با بزهکاران و یا حضور در مکان‌های نامناسب و فاقد امنیت و در نهایت نوع و نحوه فعالیت‌های روزمره آنان، نظیر دردسترس بودن، نوع شغل، پوشش، نحوه رفتار و جلب توجه می‌تواند زمینه و فرصت ارتکاب جرم را برای بزهکاران فراهم کند.

نظریه پیوند اجتماعی

یکی از مشهورترین نظریه‌ها در تبیین علل بزهکاری افراد، نظریه پیوند اجتماعی هرشی است. وی با بررسی علل هم‌نوایی افراد در جامعه و تأثیر آن بر کنترل اجتماعی، توضیح می‌دهد که چگونه چهار عامل؛ «تعلق خاطر» فرد نسبت به نهادهای جامعه، «تعهد داشتن»، «درگیر شدن» در فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره و در نهایت «اعتقاد» افراد به اعتبار

1. Cohen and Felson
2. Farrell

اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات می تواند موجب پیوند فرد به جامعه و افزایش همنوایی با هنجارهای اجتماعی و در نهایت کاهش احتمال کجروی در وی شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۳). در توسعه این نظریه مشخص شد، افرادی که «خودکنترلی» ضعیف تری دارند و به دنبال ارضای سریع تر خواسته های خود هستند، نسبت به دیگران احتمال بیشتری دارد که مرتکب کجروی و بزهکاری شوند. گات فردسان و هرشی^۱ (۱۹۹۰)، معتقدند منشأ خودکنترلی ضعیف را باید در دوران کودکی و مراحل جامعه پذیری جست و جو کرد، خواه پیوند اجتماعی ضعیف و یا قوی باشد (گات فردسان و هرشی، ۱۹۹۰: ۹۰-۹۷، به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۵۳)

نظریه توجیه سازی (خنی سازی)

این رویکرد که در سنت پدیدارشناسی قابل تعریف است، مدعی است که نظام ارزشی موردقبول کجرفتاران با نظام ارزشی موردقبول هم نوایان تفاوت چندانی ندارد؛ زیرا گرایش به خشونت و برخی کنش های نابهنجار دیگر در همه افراد وجود دارد. تنها تفاوت آن است که افراد عادی منتظر فرصت های مناسب و کم خطرتر برای ارضای گرایش های نابهنجار خود می مانند، اما کجرفتاران هر زمان اراده کنند، اقدام به عمل می نمایند؛ باین حال بسیاری از آنها از اینکه رفتار نابهنجاری مرتکب شده اند، آگاهی دارند و کار خود را درست نمی دانند؛ از این رو در بسیاری موارد احساس گناه می کنند، پشیمان می شوند و بدون هیچ اجبار و با میل خویش، خود را به پلیس معرفی می کنند؛ هرچند در بسیاری مواقع نیز به شیوه های مختلف سعی در توجیه عمل خویش دارند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۶۱).

علاوه بر رویکردهای نظری مطرح شده می توان نظریه های متعدد دیگری را در حوزه جرم شناسی و تبیین جرم مورد استناد و ارجاع قرار داد که با توجه به سنت روش پژوهش

1. Gottfredson and Hirschi

کیفی و فراهم‌نبودن مجال مطرح‌شدن این نظریه‌ها، در اینجا از ذکر آنها صرف‌نظر شده است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، مطالعه زمینه‌ها و بسترهای اسیدپاشی است که در بردارنده اهداف جزئی است:

- شناسایی عوامل علی ارتکاب اسیدپاشی بنا بر روایت اسیدپاشان؛
- شناسایی شرایط مداخله‌گر در ارتکاب اسیدپاشی؛
- شناسایی پیامدها و تبعات اسیدپاشی بنا بر روایت مصاحبه‌شوندگان؛
- مطالعه استراتژی‌ها و راهبردهای مصاحبه‌شوندگان در ارتکاب اسیدپاشی.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد صورت پذیرفته است. رویه نظریه داده‌بنیاد، یک روش پژوهش کیفی است که مجموعه‌ای از رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده‌ای شکل گیرد (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۲۳). در این روش حرکت از جزء به کل است و پژوهشگر به گردآوری منظم داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از پدیده مورد مطالعه استخراج شده‌اند، می‌پردازد. در این رویکرد گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل در یک رابطه متقابل و دوسویه با یکدیگر قرار دارند. در روش نظریه داده‌بنیاد هرگز پژوهش از یک نظریه شروع نمی‌شود تا آن را به اثبات برساند، بلکه از یک حوزه مطالعاتی آغاز شده و این فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط به آن است، آشکار شود (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۳).

نحوه نمونه‌گیری و انتخاب نمونه‌ها

در رهیافت نظریه داده‌بنیاد، مرحله جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن هم‌زمان انجام می‌شود و پژوهشگر پس از اتمام نخستین مصاحبه، شروع به تحلیل و مفهوم‌سازی داده‌ها می‌کند و این فرآیند تا رسیدن به اشباع نظری داده‌ها ادامه می‌یابد؛ از این رو کرسول^۱ (۱۳۹۴)، معتقد است مرحله گردآوری داده‌ها به صورت یک فرآیند رفت‌و برگشتی است (کرسول، ۱۳۹۴: ۸۷).

در مرحله گردآوری داده‌ها در مطالعات نظریه داده‌بنیاد، مصاحبه نقش محوری بر عهده دارد. معمولاً در پژوهش‌های کیفی، انواع مصاحبه‌های حضوری یا چهره‌به‌چهره، تلفنی و گروه‌های کانونی قابل استفاده است. در پایان هر مصاحبه نیز فایل‌های صوتی پیاده‌سازی و سپس به منظور تحلیل داده‌ها، فرآیند کدگذاری آغاز می‌شود. در پژوهش‌های کیفی نمونه‌ها به صورت متجانس انتخاب می‌شوند؛ یعنی افرادی برای مصاحبه انتخاب می‌شوند که فرآیند موردنظر را تجربه کرده باشند (کرسول، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۵۴). انتخاب مصاحبه‌شونده‌ها و نمونه‌های شرکت‌کننده نیز معمولاً بر اساس نمونه‌گیری نظری و هدفمند انجام می‌شود.

در نمونه‌گیری نظری معمولاً مصاحبه‌شونده‌ها بدین صورت انتخاب می‌شوند که پژوهشگر بتواند به بهترین شکل ممکن نظریه خود را سامان بخشد. نمونه‌گیری هدفمند نیز با توجه به اشباع نظری و اشباع داده و توجه به حداکثر گوناگونی در انتخاب نمونه‌ها و انتخاب نمونه‌هایی که بتوانند بیشترین اطلاعات را در اختیار پژوهشگر قرار دهند، صورت می‌گیرد؛ به طوری که روند انتخاب نمونه تا اشباع نظری و اطمینان از نبود تم‌های جدید و تکرار مصاحبه‌ها ادامه می‌یابد که در این پژوهش در مجموع با ۹ مصاحبه‌شونده، این پژوهش انجام شده است. نمونه‌ها از میان افرادی انتخاب شده‌اند که در زندان‌های استان تهران به سر می‌برند و همگی تجربه مشترک ارتکاب اسیدپاشی را داشته‌اند. در ادامه در

1. Creswell

جدول ۱، به شرح ویژگی‌ها و خصوصیات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان پرداخته شده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان بزهکار

نام مستعار ^۱	سال تولد	تحصیلات	حکم دادگاه	وضعیت تأهل	جرم
اکبر	۱۳۴۷	اول راهنمایی	۱ سال و ۱ ماه و دیه	متاهل	اسیدپاشی روی همسر دوم
عباس	۱۳۴۸	بی‌سواد	۵ سال / ۷۰ میلیون دیه	متاهل	اسیدپاشی روی همسر
سیاوش	۱۳۴۵	فوق‌دیپلم	۹ سال	متاهل	اسیدپاشی روی همسر
رامین	۱۳۶۵	دیپلم	ده سال زندان و ۱۵ میلیون دیه (عفو و دیه داده شد، ۴ سال حبس)	متاهل	اسیدپاشی روی همسر
قاسم	۱۳۴۸	لیسانس	۱۰ سال حبس و ۱۲۰ میلیون دیه	متاهل	اسیدپاشی روی همسر
رمضان	۱۳۶۹	سیکل	۵ سال حبس و پرداخت دیه	متاهل	اسیدپاشی روی دوست‌دختر (هم‌زمان با همسر)
ناصر	۱۳۵۰	دیپلم	۸ سال و قصاص و پرداخت دیه	متاهل	اسیدپاشی روی طلافروش
ایوب	۱۳۵۸	سیکل	مشخص نبودن حکم	متاهل	اسیدپاشی روی دوست
رحمان	۱۳۶۶	پنجم ابتدایی	۶۰ میلیون دیه داده شده و ۵ سال حبس	مجرد	دوست‌دختر و همکلاسی‌های دختر

۱. کلیه اسامی مصاحبه‌شوندگان مستعار و غیرواقعی است

شیوه تحلیل داده‌ها

در یک رهیافت نظریه داده بنیاد، کار تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز آغاز می‌شود که نتیجه آن ایجاد طبقاتی از مفاهیم است که پس از این مرحله اساس کدگذاری محوری قرار می‌گیرد. در مرحله کدگذاری محوری، پژوهشگر به داده‌ها برمی‌گردد و طبقاتی را پیرامون پدیده محوری ایجاد می‌کند. بنا بر دسته‌بندی استراس و کوربین (۱۳۹۰)، این طبقات شامل شرایط علی به معنای عواملی که موجب ایجاد پدیده محوری شده‌اند و راهبردها و استراتژی‌ها است که اقداماتی هستند که در پاسخ به پدیده محوری شده‌اند. علاوه بر این شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ای نیز که مربوط به عوامل وضعیتی است و بر استراتژی‌ها تأثیر می‌گذارد، در کنار پیامدها، در قالب یک مدل به نام پارادایم کدگذاری محوری، به یکدیگر مرتبط می‌شوند و پدیده محوری را احاطه می‌کنند. استراس و کوربین (۱۳۹۰)، از مرحله سوم، یعنی کدگذاری گزینشی به عنوان گام نهایی نام برده‌اند. در این مرحله پژوهشگر بر اساس مدل پارادایمی شکل گرفته در مرحله قبل، گزاره‌ها یا فرضیه‌هایی را ارائه می‌دهد که در نهایت طبقات مدل را به یکدیگر مرتبط می‌کند (کرسول، ۱۳۹۴: ۸۷-۸۸).

در یک پژوهش کیفی، اعتبار و پایایی پژوهش با پژوهش‌های کمی متفاوت است؛ به طوری که در فرآیند پژوهش افزایش اعتبار و پایایی پژوهش معمولاً منوط به قابلیت اطمینان‌پذیری، اتکال‌پذیری، انتقال‌پذیری و تأییدپذیری است. بر این اساس در پژوهش‌های کیفی از طریق روش‌هایی نظیر کنترل اعضا و ارجاع مجدد داده‌ها به مصاحبه‌شونده‌ها، کنترل بیرونی و استفاده از بازخورد سایر پژوهشگران و کدگذاری مجدد توسط آنها، تسلط پژوهشگر بر میدان و پرهیز از سوگیری و در نهایت استناد به نقل‌قول‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان میزان اعتبار و پایایی پژوهش را افزایش داد.

سؤال‌های پژوهش

در این پژوهش از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است؛ از این رو هرچند پژوهشگر طرحی کلی از سؤال‌ها دارد، ولی سؤال‌ها منعطف هستند و با توجه به روند مصاحبه، افراد مصاحبه‌شونده و سؤال‌های محوری، مصاحبه انجام شده است.

سؤال‌هایی که در یک پژوهش کیفی از مصاحبه‌شوندگان پرسیده می‌شود، معمولاً بر پایه یک سری سؤال‌های محوری تدوین می‌شود که سعی در بررسی چگونگی رخ دادن پدیده، بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری، عواملی که نقش واسطی در بروز پدیده مدنظر داشته‌اند، راهبردها و استراتژی‌هایی که در طول فرآیند به کار گرفته شده‌اند و همچنین پیامدهای آن است (کرسول، ۱۳۹۴: ۹۰)؛ بر این اساس سؤال‌های محوری این پژوهش عبارت‌اند از:

- چه زمینه‌ها و بسترهایی موجب ارتکاب افراد به اسیدپاشی می‌شود؟
- چه عوامل و شرایط علی در بروز اسیدپاشی مؤثر است؟
- عوامل میانجی و مداخله‌گر در بروز پدیده اسیدپاشی چیست؟
- اسیدپاشان معمولاً چه راهبردها و استراتژی‌هایی را در طول فرآیند اسیدپاشی اتخاذ می‌کنند؟
- عمل اسیدپاشی چه پیامدها و اثراتی بر زندگی این افراد باقی می‌گذارد؟

یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های پژوهش که حاصل تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته کیفی با اسیدپاشان است، ارائه می‌شود. در این بخش به منظور افزایش اعتبار پژوهش و کاهش شائبه تفسیرهای شخصی، برخی روایت‌ها و نقل‌قول‌های افراد مصاحبه‌شونده بیان شده است. پس از پایان مراحل کدگذاری و استخراج مفاهیم اولیه، مقوله‌بندی مفاهیم صورت گرفته، به منظور جمع‌بندی بهتر در جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱: نتایج مراحل کدگذاری و مقوله‌بندی

نوع مقوله	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های جزئی	مقوله مرکزی
تربط‌ها	انتقام‌جویی و احساس نفرت از قربانی	جبران شکست عشقی، تلافی ناکامی‌ها، گرفتن فرصت زندگی از قربانی، از بین بردن زیبایی و صورت	اسیدپاشی به مجازات، تشبه و زجر دائمی قربانی
	نمایش قدرت و تلاش در به‌انقیاد کشاندن قربانی	احساس مالکیت بر قربانی، متزوی کردن قربانی، مجاب کردن و به‌اطاعت واداشتن قربانی، انحصارطلبی، جنسیت‌زدگی و برتری‌جویی	
زمینه‌ها و بسترها	زمینه‌های خانوادگی	زندگی در خانواده‌های نابسامان، اختلافات زناشویی، طلاق، روابط فرازناشویی و روابط نامشروع و یا خیانت	اسیدپاشی به مجازات، تشبه و زجر دائمی قربانی
	تحقیر اجتماعی	خشونت و سرخوردگی، کنار گذاشته شدن و طرد، بی‌توجهی به خواسته‌ها، تمسخر و سرزنش دائمی، زندگی تحت فشار و خشونت، سابقه تجاوز، فقدان گفت‌وگو و عدم حل مسئله	
	سبک زندگی پرمخاطره	کناره‌گیری از خانواده، انزوا و نداشتن دوست، قطع ارتباط با بستگان، عدم بهره‌مندی از مشاوره و راهنمایی، انزوا و انفصال از شبکه‌های اجتماعی، ضعف اعتقادات دینی و مذهبی، بی‌مبالایی جنسی و ارتباطات متعدد	
تربط‌های میان‌گروهی	آشنایی با اسید و دسترسی به آن	نوع شغل، کار با اسید، خرید و فروش آسان و بدون نظارت، ناخواسته و اتفاقی	اسیدپاشی به مجازات، تشبه و زجر دائمی قربانی
	عضویت در گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های بزهکار و خشونت‌طلب	زندگی در محله‌های پرخطر، ویژگی‌های شخصیتی، خشونت‌طلبی و پرخاشگری، دوستان بزهکار و سابقه دار، اعتیاد و مصرف مواد مخدر و الکل، تحریک‌پذیری و روحیه پرخاشگر	
	ناآگاهی از مجازات و یا کم‌اثر بودن آنها	فقدان آگاهی از قوانین، ضعف قوانین و یا خلأ قانونی، بازدارنده نبودن مجازات	

نوع مقوله	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های جزئی	مقوله مرکزی
استراتژی‌ها و راهبردها	توجیه‌سازی و مقصرانگاری قربانی	مقصرانگاری قربانی، نقش‌آفرینی وی، سبک زندگی قربانی، اتفاقی بودن	
	نادیده گرفتن قانون	خودقانون‌پنداری و قانون‌گریزی، ناکافی و ناعادلانه دانستن قوانین، بی‌توجهی به قانون	
پیامدها و تبعات	مجازات و قصاص	اجرای مجازات قانونی، قصاص، دیه و جریمه	
	ازهم‌پاشیدگی زندگی	از دست رفتن فرصت زندگی، زندگی در زندان، سوء پیشینه، از دست دادن فرصت تحصیل و کار	
	انزوا و طرد اجتماعی	ترس از انتقام، انزوا و کناره‌گیری از جامعه و شبکه‌های اجتماعی، دوری از محیط خانواده و جامعه، ترس از انتقام، ترس از ارتکاب مجدد، احساس پشیمانی و گناه	

- زمینه‌ها و بسترهای اسیدپاشی

تجزیه و تحلیل روایت‌های مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که در مجموع، زمینه‌ها و بستری که به اسیدپاشی توسط آنها منجر شده است در سه مقوله اصلی «زمینه‌های خانوادگی»، «سبک زندگی پرخطر» و «تحقیر اجتماعی» قابل شناسایی و دسته‌بندی است.

الف) زمینه‌های خانوادگی

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بسیاری مواقع وجود رسیک عوامل خطر آفرین در خانواده ممکن است نقش مؤثری در ارتکاب جرم افراد داشته باشد؛ هرچند این بدان معنا نیست که فردی که در چنین خانواده‌هایی زندگی می‌کند لزوماً در آینده مرتکب جرم خواهد شد. باین حال یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، برخی از مصاحبه‌شونده‌ها در خانواده‌هایی زندگی کرده‌اند که معمولاً به نوعی درگیر برخی نابسامانی‌های خانوادگی بوده‌اند و تجربه طلاق والدین، اختلاف‌ها و ناسازگاری‌ها، سابقه اعتیاد و زندان در میان اعضای خانواده و همچنین بی‌سرپرستی و یا بدسرپرستی در خانواده

بسیاری از این افراد وجود داشته است. برای نمونه، ایوب که سابقه اسیدپاشی بر روی یکی از دوستانش را دارد در این ارتباط می گوید:

«از بچگی پدر بالا سرم نبود، بابام تو درگیری کشته شده بود. اون موقع دو سالم بود.»

و یا عباس که بر روی همسرش اسید پاشیده است می گوید:

«۱۲ سالم بود که مادرم مرد، خیلی از لحاظ کمبود محبت و عاطفه سختی کشیدم.»

به نظر می رسد، ازدواج های نامناسب و بدون شناخت و یا ازدواج هایی که با مخالفت والدین همراه بوده است، اختلاف و ناسازگاری در زندگی زناشویی خود این افراد نیز از جمله مواردی است که در طول زندگی همواره چالش ها و مشکلاتی را برای آنها به وجود آورده است. رامین که سابقه اسیدپاشی بر روی همسر خود را دارد در این ارتباط می گوید:

«۲۰ سالم بود ازدواج کردم، مادرم اکثراً تنها بود، مهسا (قربانی اسیدپاشی) میومد

پیشش. ازش خوشم میومد، اما بیشتر دلم براش می سوخت و برای کمک به هم نوع، باهاش ازدواج کردم. مادرم مخالف ازدواجمون بود، باباش به خاطر مواد حکم اعدام داشت؛ ناپدیری داشت و پیش مادر بزرگش زندگی می کرد.»

یافته های پژوهش نشان می دهد که اغلب اسیدپاشی ها توسط مصاحبه شوندگان، بر روی همسر و یا نامزد صورت گرفته است و معمولاً این اقدام پس از شروع اختلافات، درخواست طلاق، متارکه و یا برهم زدن نامزدی رخ داده است. برای مثال، ناصر روایت می کند: بعد از برهم خوردن نامزدی و پس فرستادن کادوهای وی توسط نامزدش، تصمیم گرفته است تا بر روی او اسید پاشد!.

مطابق با یافته های پژوهش به نظر می رسد، عدم گفت و گو و ناتوانی در حل مسائل خانوادگی و رفع سوء تفهیم ها نیز می تواند نقش مؤثری در ارتکاب اسیدپاشی بر روی افراد، به ویژه در بین زوجین، داشته باشد.

ب) تحقیر اجتماعی

تجزیه و تحلیل روایت‌های پژوهش نشان می‌دهد که تجربه احساس تحقیر اجتماعی مقوله‌ای است که در فراهم شدن زمینه ارتکاب جرم برخی اسیدپاشان نقش مؤثری ایفا کرده است. تحقیر اجتماعی از جمله مسائلی است که گاه آگانه و یا ناآگاهانه در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و برای فرد تحقیر شده شرایطی را به وجود می‌آورد که احساس می‌کند کوچک شمرده شده و به شخصیت، شأن و غرور وی لطمه وارد شده است. تجربه تحقیرشدگی می‌تواند موجب ایجاد احساس اضطراب اجتماعی، ناتوانی، خشم سرکوب‌نشده و پرخاشگری در فرد شود (لیندر، ۲۰۰۱: ۴۶ به نقل از صادقی فسایی و نیکدل، ۱۳۹۴: ۴۲). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بی‌توجهی به افراد، سرزنش، ترک و قطع ارتباط و مواردی نظیر این، از جمله مسائلی است که از نظر مصاحبه‌شوندگان مصداق کوچک شمردن و تحقیر اجتماعی بوده است. سیاوش که بر روی همسرش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«اومد جلو محل کارم آبروریزی کرد (قربانی) و پیش همکارام کوچیکم کرد و حتی بعدش ریسم اخراجم کرد ... کسی که قتل می‌کنه، الکی آدم نمی‌کشه، اگه شما هم ببینی پل‌های پشت سرت خراب شده، بدتر می‌کنی، شرایط خیلی مهمه. آبروم رفته بود و از کارم اخراج شده بودم».

و یا ناصر که سابقه اسیدپاشی بر روی نامزد سابقش را دارد می‌گوید:

«هرچی بهش التماس کردم که بیا نامزدی رو بهم نزن، انگار نه انگار یه جوری نگام می‌کرد که انگار اصلاً منو نمی‌شناسه. پیش دوست و آشنا خوار و ذلیلیم کرده بود. چون نمی‌خواست باهام ازدواج کنه و برام ارزشی قائل نبود».

ج) سبک زندگی پرمخاطره

از جمله مسائلی که نقش مهمی در ارتکاب اسیدپاشی دارد، سبک زندگی افراد، نحوه تعاملات روزمره و کنشگری اجتماعی آنها است؛ به طوری که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در اغلب موارد سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی در تعاملات اجتماعی، نظیر روابط فرازناشویی، دوستی‌های غیرمتعارف و همچنین بی‌توجهی به شیوه‌های بهنجار زندگی و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی در میان مجرمان و یا قربانیان وجود داشته است. رامین که بر روی همسرش اسیدپاشی کرده در این ارتباط می‌گوید:

«... به وقت فهمیدم که با دوست پسرای قبلیش در ارتباطه ... وقتی که فهمیدم خیلی زدمش و گوشیشم شکستم. خودم کلاً آدم شری بودم و زندان رفته بودم و از هیچی هم نمی‌ترسیدم. وقتی عصبانی می‌شدم خون جلو چشمم رو می‌گرفت و آروم نمی‌شدم تا بلایی سراون که عصیم کرده بود نمی‌آوردم، آروم نمی‌شدم.»

تجزیه و تحلیل یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در برخی مواقع انزوا و انفصال فرد از شبکه‌های اجتماعی و عدم مشارکت در برنامه‌های خانوادگی و اجتماعی و کناره‌گیری از آن نیز در ایجاد زمینه‌ها و بسترهای اسیدپاشی نقش داشته است. رامین که بر روی همسرش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«زیاد اهل دوست نبودم، اهل تفریح نبودم، تنهایی راحتم.»

و یا سیاوش که او هم بر روی همسرش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«فقط ۳ تا رفیق داشتم با کسی معاشرت نداشتم تو دنیای خودم بودم تو زندان هم با

کسی حرف نمی‌زنم.»

به نظر می‌رسد دوری‌گزینی از دیگران و قطع اتصالات و پیوندهای اجتماعی موجب کاهش تعهد و علاقه‌ی این افراد شده است که خود نیازمند پژوهش‌های جامع است که مجال آن در این پژوهش فراهم نیست.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برخی از مصاحبه‌شونده‌ها، آگاهی‌های کمی در ارتباط با مسائل دینی داشته‌اند و اغلب مسائل دینی و اخلاقی نقش کم‌رنگی در سبک زندگی و تجربه زیسته آنها داشته است. قاسم در رابطه با اعتقادات مذهبی‌اش می‌گوید:

«بیرون از زندان نمی‌دونستم قرآن چیه، به زندانی‌ها میگم باورشون نمیشه، روزی که اومدم رجایی شهر گفتن باید برید دارالقرآن. بیرون آفتد مغرور بودم که خدا رو هم قبول نداشتم...».

به نظر می‌رسد در برخی مواقع، سبک زندگی خانوادگی و شیوه‌های فرزندپروری والدین نیز در این مسئله نقش مؤثری داشته است: عباس که سابقه اسیدپاشی بر روی همسر را دارد می‌گوید:

«من مشروب می‌خوردم نمازم می‌خوندم، نمازم درسته آخوندها واسه خودشون میگن، بابام سفارش کرده بود که مشروبم خوردی، دهنتم رو آب بکش و نمازت رو بخون»

شرایط علی

الف) انتقام‌جویی و احساس نفرت از قربانی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در بسیاری مواقع حس انتقام‌گیری در میان اسیدپاشان، ناتوانی در کنترل خشم و فقدان خودکنترلی در میان آنها، موجب ارتکاب اسیدپاشی شده است. با این حال نتایج پژوهش حاکی از آن است که درک و تصور اسیدپاشان و تفسیری که آنها از حق دارند در اعمال آنها نقش مؤثری داشته است؛ به طوری که برخی از آنها بنا بر روایت‌هایشان پس از شکست عشقی و یا درگیری‌های

زناشویی و اختلافات حل نشده، اقدام به اسیدپاشی و انتقام از قربانی و جبران شکست خویش داشته‌اند. رحمان در ارتباط با علت اسیدپاشی بر روی دوست‌دختر خود می‌گوید:

«همش ازم اخاذی می‌کرد و پول دانشگاهشم من می‌دادم. بعدش که فهمیدم بهم خیانت کرده، حتماً می‌خواستم یک‌جوری کارش رو تلافی کنم و انتقام این همه سال اذیت رو ازش بگیرم».

و یا ناصر که بر روی نامزد سابقش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«... اسید رو که پاشیدم دلم خنک شده بود. تلافی همه دل‌شکستناشو در آوردم».

یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که احساس نفرت از قربانی نیز در ایجاد حس انتقام‌جویی و ارتکاب اسیدپاشی نقش مهمی دارد. رامین که بر روی همسرش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«کلاً ازش (همسر) متنفرم، موقعی که روش اسید پاشیدم، دلم خنک شد».

و یا سیاوش که او هم بر روی همسرش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«خواهر کوچیکه زنم هم طلاق گرفته و مهریش رو گذاشته اجرا، اینا فقط اخاذی بلدن، ازشون متنفرم».

ب) نمایش قدرت و تلاش در به‌انقیاد کشاندن قربانی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در برخی مواقع احساس مالکیت اسیدپاش بر روی قربانی و تلاش برای محصورکردن و تسلط بر وی نیز موجب ارتکاب اسیدپاشی شده است. ناصر که بر روی نامزد سابقش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«نامزدیمون بهم خورده بود و من خیلی کلافه بودم و چندباری دم خونشون رفته بودم و بهش التماس کرده بودم. ولی اون به من بی‌توجهی می‌کرد و می‌گفت همه چی

تموم شده. با برادرش دوست بودم، اون بهم گفته بود که می‌خوایم شوهرش بدیم، همون جا گفتم یا مال من یا مال هیچ‌کس. اول به فکرم رسید بکشمش. ولی گفتم اعدا ام می‌کنن، اما برام مهم نبود! فقط می‌خواستم آتیشی که تو دلمه خاموش کنم...».

و یا اکبر که بر روی همسر دومش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«۵ ساله هیچ روز خوشی نداشتم، گفتم بچه رونگه دار تا بینم چی میشه به مرتبه دعوی فیزیکی داشتیم ... گفت: بیا غذا رو گرم کن، گفتم من شدم زنت، تو شدی شوهرم؟... حالیش نبود کی مرده کی زن؟».

به نظر می‌رسد در برخی مواقع بعضی مردان با اعتقاد به برتری بر زنان و تلاش برای مجاب کردن و به اطاعت واداشتن آنها دست به اعمال خشونت می‌زنند. این مسئله ممکن است در برخی خانواده‌های سنتی بیش‌ازپیش آشکار باشد؛ با این حال با توجه به ابعاد مسئله مجال بررسی آن در این پژوهش فراهم نیست.

- شرایط مداخله‌گر

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر عوامل علی، برخی شرایط میانجی و مداخله‌گر نیز در ارتکاب اسیدپاشی نقش داشته است. پس از استخراج مفاهیم اولیه، در مجموعه سه مقوله «آشنایی با مواد اسیدی و دسترسی به آن»، «عضویت در گروه‌ها و خرده‌فرهنگ بزهارکار و خشونت‌طلب» و «ناآگاهی از مجازات و یا کم‌اثر بودن آنها» شرایط مداخله‌گر در ارتکاب اسیدپاشی در این پژوهش را آشکار کرده‌اند.

الف) آشنایی با مواد اسیدی و دسترسی به آن

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بسیاری مواقع آشنایی افراد با اسید و اثرات مخرب آن نقش مهمی در ارتکاب اسیدپاشی داشته است. این مسئله هنگامی

بااهمیت تر می شود که فرد بزهکار با علم به صدمات جبران ناپذیر اسید، سعی در «بدشکل کردن» قربانی و جبران شکست عشقی را دارد. ناصر که سابقه اسیدپاشی بر نامزد سابقش را دارد، می گوید:

«... شیطان رفته بود تو جلدم. شنیده بودم اسید با آدم چه می‌کنه ... با خودم می‌گفتم، یه لک رو صورتش می‌ندازم که دیگه کسی نگاه بهش نکنه! یعنی دقیقاً همون که می‌خواستم...».

بااین حال یافته‌های حاکی از این است که آگاهی و شناخت اسید در بسیاری مواقع تحت تأثیر «دیگری» و توصیه‌های آنها اتفاق می‌افتد. رحمان که سابقه اسیدپاشی بر دوست دخترش را دارد، می‌گوید:

«دوتا از دوستانم، فکر اسیدپاشی رو تو سرم انداختن، گفتن دختره بهت خیانت کرده باید تلافی کنی».

برخی نیز از طریق رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی نسبت به پیامدهای آن آگاهی‌هایی کسب کرده‌اند. سیاوش که روی همسرش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«فکر اسیدپاشی از طریق روزنامه به ذهنم رسید».

در این میان برخی نیز به واسطه پیشینه شغلی و کار با اسید، نسبت به اثرات و صدمات آن آگاهی داشته و به آن دسترسی داشته‌اند. رامین که سابقه اسیدپاشی بر روی همسرش را دارد، می‌گوید:

«... اسید جز ابزار کارم بود، رفتم قوطی اسید رو از مغازه برداشتم و رفتم سراغش».

نکته جالب توجه در روایت‌های مصاحبه‌شوندگان، امکان خرید و فروش آسان و دسترسی فراوان و ارزان قیمت این مواد است که در بسیاری مواقع در مقایسه با شیوه‌های دیگر ارتکاب جرم و آسیب‌رساندن به دیگران، هزینه کمتری را بر بزهکاران تحمیل

می‌کند. نداشتن نظارت بر عرضه و تقاضای اسید و بازار فاقد کنترل و بدون شناسنامه، زمینه ارتکاب اسیدپاشی را سهل‌تر کرده است. ناصر که روی نامزد سابق خود اسید پاشیده است، می‌گوید:

«همون موقع رفتم چهارراه و راحت بدون اینکه کسی ازم بپرسه، یه چهارلیتری اسید قوی خریدم و رفتم سراغش».

ب) عضویت در گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های بزهکار و خشونت طلب

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد که در بسیاری مواقع افراد اسیدپاش، سابقه عضویت در شبکه‌های اجتماعی، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ بزهکار را داشته‌اند و اغلب در روایت‌های خویش، تجربه‌های رفتار خشونت‌آمیز و شرارت‌بار را بیان کرده‌اند. عباس در این خصوص می‌گوید:

«سابقه شرارت و درگیری زیاد داشتم. یه مدت به خاطر درگیری که داشتم فراری بودم، رفتم ورامین، بابام گفت همین جا زنش بدین طوق لعنت روانداختن گردنم».

ایوب که بر روی دوستش اسید پاشیده است، علاقه شدیدی به دعوا و درگیری و داشتن چاقو دارد؛ به گونه‌ای که به دلیل علاقه‌اش به قمه تصویر آن را به روی دست خویش خال کوبی کرده است. او در این زمینه می‌گوید:

«قبل از این، دعوا و درگیری زیاد داشتم. دعوا کردن رو دوست داشتم، هر جا می‌رفتم دعوا، به مهدی می‌گفتم می‌اومد».

او با وجود تحمل ۸ سال زندان، همچنان این روحیه پرخاشگری و علاقه به درگیری را دارد؛ به گونه‌ای که در خصوص انگیزه‌اش برای انتقام‌گیری از شریک جرمش، اذعان داشت:

«دوست داشتم قاضی مهدی رو می‌داد دستم، یا من می‌کشتمش یا اون منو می‌کشت».

در اینجا به نظر می‌رسد، گاهی روابط دوستانه و عضویت در این شبکه‌ها خود مسئله‌ساز است؛ به گونه‌ای که ممکن است فرد را درگیر مسائل جرمی کند. ایوب که بر روی دوستش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«من و مهدی هوای همو داشتیم، هر جا می‌رفتیم دعوا به مهدی می‌گفتم میومد ... مسعود (قربانی) برای مهدی دردسر درست کرده بود، اونم می‌خواست گوش مالی بده. گفتیم اسید بپاشیم که من براش اینکار رو کردم».

برای عده‌ای از افراد، سرپیچی از قوانین و مقررات به امری عادی تبدیل شده و روحیه خشن و نقض هنجارهای اجتماعی در درون آنها شکل گرفته است. این‌ها همان افراد خرده‌فرهنگ خشونت هستند. ایوب در خصوص روحیه تحریک‌پذیر خود می‌گوید:

«سر چیزای الکی دعوا می‌شد می‌رفتم تو آبادی، یارو گیر می‌داد که مثلاً چرا از اینجا رفتی، کار به دعوا می‌کشید».

در میان برخی پاسخگویان نیز سطح تحریک‌پذیری بسیار بالا است؛ به گونه‌ای که هر حرکت و حرفی می‌تواند سبب تحریک‌پذیری و درگیری آنان شود. زمانی که از رمضان در خصوص نشانه‌ناشی از جراحت که بر روی مچ دست او باقی مانده بود، سؤال شد او این‌گونه پاسخ داد:

«سال پیش با یکی سر یه نخ سیگار دعوا شد، با شیشه شکسته دلستر زدم تو سرش».

عباس نیز در خصوص برخورد خود این‌گونه می‌گوید:

«یه روز بیرون بودیم، رو سبزه‌ها نشسته بودیم یکی به زنم متلک گفت. تیزی

کشیدم رفتم جلو دو تا من خوردم، نفری یکی اونا»

در بسیاری مواقع نیز مصرف مواد مخدر و الکل می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای غیرطبیعی و برهم‌زننده نظم و زمینه‌ساز جرم باشد؛ به طوری که از میان ۹ نفر شرکت‌کننده در این

پژوهش، ۶ نفر به صورت روتین و دائمی از مواد مخدر استفاده می‌کرده‌اند و سابقه نسبتاً قابل توجهی در اعتیاد به الکل یا مواد، حتی در خانواده خود داشته‌اند. یک نفر اعلام کرده که استفاده‌کننده دائمی نبوده و هرازگاهی مصرف می‌کرده است. دو نفر نیز اعلام کردند که هیچ‌گاه از این مواد استفاده نکرده‌اند. عباس که سابقه اسیدپاشی بر همسر را دارد، می‌گوید:

«از ۱۵، ۱۶ سالگی مشروب استفاده می‌کردم، از ۱۸ سالگی هم مواد مصرف کردم...».

و یا ایوب در این رابطه می‌گوید:

«اهل مشروب بودم و تریاک هم می‌کشیدم، اون روز (روز اسیدپاشی) هم تریاک کشیدم و هم مشروب خورده بودم».

ج) ناآگاهی از مجازات و یا کم‌اثر بودن آنها

در برخی مواقع فقدان آگاهی از نوع مجازات می‌تواند نقش مؤثری در ارتکاب اسیدپاشی داشته باشد. سیاوش که سابقه اسیدپاشی بر روی همسرش را دارد، می‌گوید:

«فکر می‌کردم مجازاتش دیه است و فکر می‌کردم آگه کس دیگه‌ای این کار رو بکنه، واسم مشکلی پیش نمیاد».

در نقطه‌ای مقابل، برخی از افراد با علم به نقاط ضعف و یا ابهامات قانونی اسیدپاشی اقدام به این عمل کرده‌اند. عباس که بر روی همسرش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«از اسیدپاشی می‌دونستم، از جرمش خبر داشتم، اسیدپاشی حداقل ۱۵ سال حبس داره».

– استراتژی‌ها و راهبردها

تجزیه و تحلیل روایت‌های مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که در مجموع دو دسته استراتژی و راهبرد اصلی برای آنکه بزهکاران را به اسیدپاشی مجاب کند، وجود دارد:

الف) توجیه‌سازی و مقصرانگاری قربانی

در بسیاری مواقع بزهکاران ضمن پذیرش تبعات عمل ارتكابی خود، سعی در توجیه‌سازی آن و مقصرانگاری قربانی دارند؛ از این رو ممکن است با متوسل شدن به ارزش‌های والاتر اخلاقی و یا سازوکارهای دفاعی، نقش قربانی را در قربانی شدن خویش، برجسته کنند. این شیوه، به ویژه زمانی که «زن»، قربانی عمل بزهکارانه همسر خود شده است، بیشتر جلوه‌گر می‌شود. بر این اساس، مطرح کردن و توضیح برخی رفتارهای قربانی، وارد کردن اتهام خیانت و بی‌بندوباری جنسی و غیره، از جمله مواردی است که در توضیح علل ارتكاب اسیدپاشی از سوی مردان شنیده می‌شود. عباس که بر روی همسرش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«من از ماتتو خوشم نمیاد، از اولش با زنم طی کردم. این آخر حرف گوش نمی‌کرد، چادر نمی‌پوشید ... یه مدت بود من و زنم جدا زندگی می‌کردیم. دخترم گفت مرد میاد خونه، تحقیق کردم دیدم راسته، می‌خواستم سر زنم رو ببرم، دایم گفت روش اسید پاش. از اسید می‌دونستم، از جرمش خبر داشتم، تو روزنامه خونده بودم».

و یا رحمان که بر روی دوست دخترش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«میومد پیشم از خدا دور می‌شدم. اصلاً خدا رو نمی‌شناخت! بردمش امامزاده، می‌گفت چقدر عقب‌مونده‌ای».

نکته جالب توجه این است که در برخی مواقع بزهکاران با متوسل شدن به مسائل و توجیحات ناموسی، حتی بر روی قربانیان هم جنس نیز اقدام به اسیدپاشی کرده‌اند. ایوب که بر روی دوستش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«مسعود در حق مهدی نامردی کرده بود. مسعود دایی ناتنی خانم مهدی بود و به زنش دست‌درازی کرده بود و زنه به مهدی گفته بود».

برخی مصاحبه‌شوندگان نیز سعی در توجیه اتفاقی بودن عمل خویش دارند. قاسم که بر روی همسرش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«موقعی که رفتم خونشون، اونجا درگیری شد با چاقو و چوب، من چوب برده بودم! چاقو رو از دست برادرش گرفتم، زخم سطل اسید رو برداشته بود، خواستم از دستش بگیرم افتاد زمین پاشید رو صورتش».

ب) نادیده گرفتن قانون

نادیده گرفتن قانون و خودقانون‌پنداری یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های اسیدپاشان مصاحبه‌شونده بود. در بسیاری مواقع آنها ضمن توجیه کار خود و همچنین نادیده گرفتن قانون، در مورد موارد اتهامی که به طرف مقابل وارد کرده‌اند، با خودقانون‌پنداری و قضاوت‌های یک‌سویه، احکام مجازات طرف مقابل را صادر کرده‌اند که در این میان همسران این افراد، بیشترین سهم را از این دست مجازات‌ها و احکام صادرشده داشته‌اند.

ناصر که بر روی نامزد سابقش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«می‌گفتم بن‌دار این درس عبرتی باشه که دیگه کسی نارو نزنه و دل عاشقشو نشکنه...».

و یا اکبر که بر روی همسر دومش اسید پاشیده می گوید:

«... فاسد بود، مادرشم می دونست اهل این کاراست. می رفت ولگردی. از دخترم می پرسیدم کجا رفته؟ می گفت رفته بیرون، آرایش می کرد، تو گوشیش شماره های مزاحم داشت. قیافشم خوب نبود مثل پیرزن ها بود، بهش می گفتم نگاه کن قریون زن اولم بری، اخلاق اون کجا و تو کجا؟ بهش گفتم بیا ببرمت تیمارستان، تو روانی هستی ... تو روابط خیلی سرد بود. همیشه خسته و کوفته بود، من هیچ ایرادی نداشتم، من نه دیلمم نه لیسانسه، اما طرفمو می شناسم، ...».

به نظر می رسد در بسیاری مواقع مصاحبه شونده ها با قربانیان خود اختلافات و ناسازگاری های زیادی داشته اند که به جای مراجعه به مراکز مشاوره و دادگاه خود مستقیماً دست به کار شده اند و با توجه به قانون گریزی که داشته اند، حکم صادر کرده و قربانی را به تعبیر خود مجازات کرده اند.

– پیامدها و تبعات

بزهکاری و ارتکاب اعمال مجرمانه در روند زندگی بسیاری از افراد تبعات و پیامدهای جبران ناپذیری دارد که با ایجاد سوء پیشینه نیز معمولاً تثبیت می شود. مشکلات اشتغال و کسب و کار، بدبینی و ترس از تکرار جرم از جمله این موارد است. یافته های این پژوهش نشان می دهد، علاوه بر تبعات و پیامدهایی که ارتکاب جرم و سابقه حبس برای این افراد داشته، در برخی موارد ممکن است آنها تجربه های منحصر به فردی را تجربه نمایند.

الف) مجازات و قصاص

از جمله پیامدهای اسید پاشی مجازات و دیه و همچنین احکام قصاص است که ممکن است در برخی مواقع موجب ترس و نگرانی مجرم شود؛ چراکه معمولاً پس از ارتکاب

اسیدپاشی است که افراد به‌طور واقعی شاهد صدمات ناشی از عمل خویش هستند و با نوع مجازات نیز آشنا می‌شوند. ایوب که بر روی دوستش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«دیگه چیزی ندارم از دست بدم، آگه می‌مردم بهتر بود، اعدام رو ترجیح میدم، از اعدام نمی‌ترسم، دوست ندارم طولانی مدت زندان باشم، خسته شدم».

و یا ناصر که بر روی نامزد سابقش اسید پاشیده است، می‌گوید:

«اون روز بعد از اینکه اسید پاشیدم فرار کردم رفتم ... بعد از چند روز خونه زنگ زد بهم گفتن تمام تنه دختره سوخته و بدنش ورم کرده و یکی از چشماش کور شده ... خیلی ترسیدم و دیگه شب‌ها نمی‌تونستم بخوابم ... اومدم خودمو معرفی کردم ... فکر می‌کردم اعدام می‌کنن و خلاص می‌شم ولی بعداً که شنیدم احتمالاً قصاصم می‌کنن حسابی ترسیده بودم».

به نظر می‌رسد، در بسیاری مواقع تصور پرداخت دیه و جزای نقدی به‌جای قصاص و همین‌طور گذشت برخی قربانیان از مجازات قربانی، ممکن است از نگرانی و ترس مجرمان بکاهد.

ب) ازهم‌پاشیدگی زندگی

از جمله پیامدهای اسیدپاشی ازدست‌رفتن فرصت‌های زندگی و ازهم‌پاشیدگی خانواده است. صدمات جسمی و روانی عمل و طول مدت درمان موجب می‌شود تا فرد قربانی و مجرم که در بسیاری مواقع همسر و یا یکی از نزدیکان وی است، درگیر شوند و علاوه بر این هزینه‌های مالی زیادی را نیز متحمل شوند. اکبر که بر روی همسرش اسید پاشیده می‌گوید:

«زندگی و بچه‌هام رو از دست دادم، عمرم هم داره تباہ میشه».

و یا سیاوش که بر روی همسرش اسید پاشیده است، می گوید:

«تو این مدت (دوران زندان)، مرخصی که می رفتم، نمی رفتم خونه، می رفتم دماوند. تو محل آبروم رفته بود دیگه آبرویی ندارم، باید برم خارج از کشور».

روایت برخی مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد، در برخی مواقع نیز تبعات اسیدپاشی آنقدر زیاد است که زندگی اطرافیان و سایر اعضای خانواده را با ازهم‌پاشیدگی مواجه می‌سازد. ناصر در این باره می گوید:

«بعد از اسیدپاشی من اونقدر دختره داغون شده بود که باباش از غصه دق کرد و مرد ... پدر منم سخته کرد».

«احساس پشیمانی و سرزنش دائمی خود» نیز از دیگر پیامدهای ارتکاب این جرم است. برای مثال، اکبر که بر روی همسرش اسید پاشیده است، می گوید:

«صد درصد از کارم پشیمونم ... زندگیمو با دستم خودم نابود کردم».

نکته جالب‌توجه این است که در بسیاری مواقع مصاحبه‌شونده نسبت به نوع عمل ارتكابی احساس پشیمانی می‌کنند، نه صدمه‌زدن به قربانی. سیاوش که بر روی همسرش اسید پاشیده است، می گوید:

«اگه برگردم این کارو نمی‌کنم، فایده نداره اشتباهه، من راهش رو بلد نبودم، اینجا فهمیدم باید چیکار کنم، باید به یه ماشین پول می‌دادم تا بکشتش!».

ج) طرد اجتماعی و انزوا

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی نشان می‌دهد، اسیدپاشی موجب طرد و انزوای اجتماعی و همچنین کناره‌گیری از شبکه‌های خانوادگی و اجتماعی در این افراد شده

است؛ به طوری که در بعضی مواقع ممکن است حتی زمینه‌های طرد در دوران حبس و زندان هم برای این افراد به وجود آید. ناصر که بر روی نامزد سابقش اسید پاشیده می‌گوید: «تو زندان به همه می‌گفتم به خاطر مسائل ناموسی اسیدپاشی کردم، آخه آگه اونا می‌فهمیدن به خاطر اینکه دختره جواب رد داده نابودش کردم که دیگه کسی آدم حسابم نمی‌کرد».

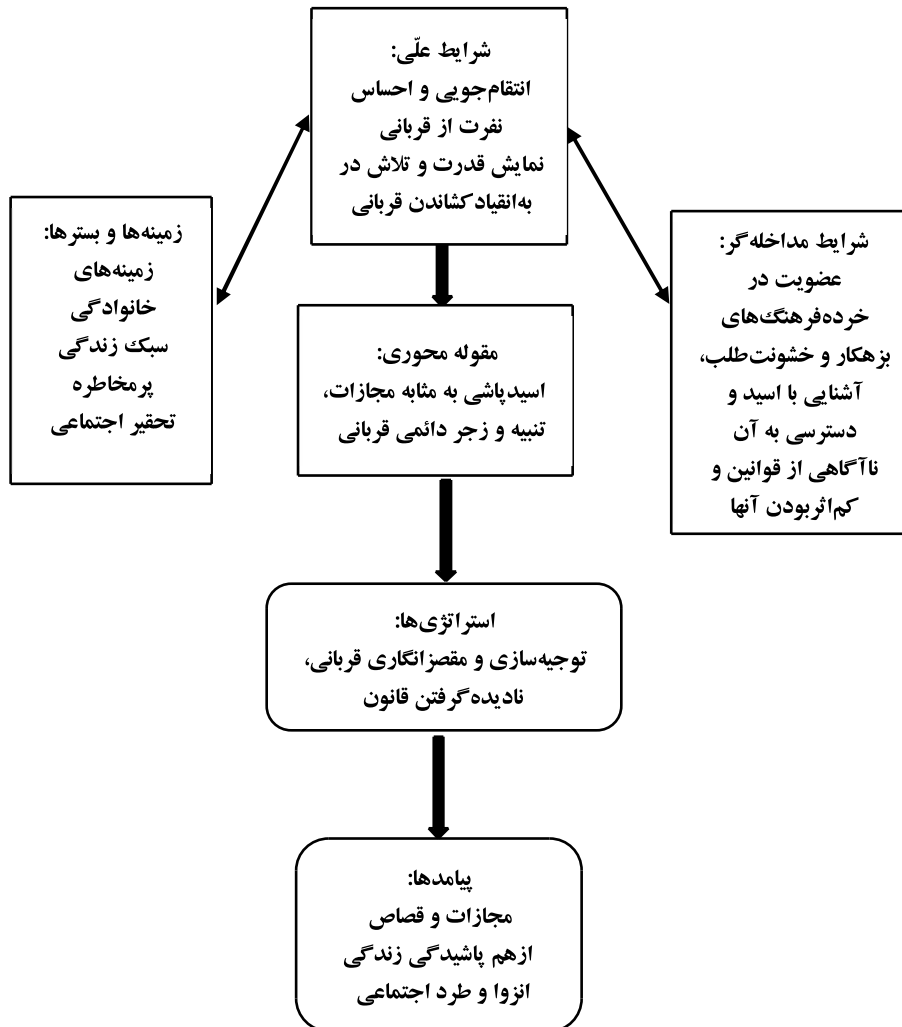
به نظر می‌رسد حتی در میان مجرمان و سابقه‌داران زندانی نیز افراد اسیدپاش، جایگاه و اعتبار چندان مناسبی ندارند و به نوعی معمولاً عمل آنها مورد سرزنش سایر زندانیان قرار می‌گیرد. در ادامه ناصر می‌گوید:

«الانم کسایی که می‌دونن اینکار رو کردم ازم دوری می‌کنن، به نظرم می‌ترسن بلایی سرشون بیارم».

در مجموع یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان طرد و انزوای اجتماعی پس از ارتکاب جرم اسیدپاشی را در طول زندگی به نوعی تجربه کرده‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ادامه به منظور ارائه تصویری کامل‌تر از زمینه‌ها و انگیزه‌های اسیدپاشی، مدل پیشنهادی بر اساس نظریه داده‌بنیاد و مقولات به دست آمده ترسیم شده است (شکل ۱).



شکل ۱: مدل پارادایمی زمینه‌ها و انگیزه‌های اسیدپاشی

استراوس و کوربین (۱۳۹۰)، بر این مسئله تأکید دارند که مقوله محوری باید حاصل همه تحلیل‌ها و جوهر پژوهش را به صورت فشرده بیان کند و همچنین این مقوله باید قدرت تحلیل و توانایی ربط‌دادن و به هم نزدیک کردن مقوله‌های اصلی پژوهش را داشته باشد و دائماً نیز در داده‌ها پدیدار شده و نشانه‌هایی از آن در تمام موردهای تحت مطالعه

آشکار شده باشد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۶۷-۱۶۸). بر این اساس «اسیدپاشی به مثابه مجازات، تنبیه و زجر دائمی قربانی» مفهومی است که در تمامی مراحل پژوهش، از جمع‌آوری داده‌ها تا کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌ها، آشکار شد؛ از این رو به‌عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شده است.

مدل پارادایمی نشان می‌دهد، «انتقام‌جویی و احساس نفرت از قربانی» و «نمایش قدرت و تلاش برای به‌انقیادکشانیدن قربانی» دو مقوله‌ای است که شرایط علی و در حقیقت انگیزه‌های ارتکاب اسیدپاشی را ترسیم می‌کنند. جبران شکست عشقی، تلافی ناکامی‌ها، گرفتن فرصت زندگی از قربانی و از بین بردن صورت و زیبایی از جمله مفاهیم اولیه در مصاحبه‌های عمیق کیفی است که در برخی پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه نیز به آنها اشاره شده است (کارماکار^۱، ۲۰۰۳ و ویج^۲، ۲۰۰۸ به نقل از میتال و داتاروال، ۲۰۱۴). در بسیاری مواقع فرد بزهکار با احساس برتری بر قربانی و تلاش برای به‌اطاعت‌و‌داشتن وی اقدام به اسیدپاشی کرده است. به نظر می‌رسد این مسئله زمانی که قربانی زن بوده و فرد مجرم در متقاعد کردن او چندان موفق نبوده است، بیشتر رخ می‌دهد. چلبی معتقد است، انگیزه اصلی قتل و خشونت بر زنان توسط شوهرانشان، معمولاً ناشی از ترس از خیانت و همسرگزینی جدید از سوی زنان بوده و در واقع ناشی از نوعی احساس بیم نسبت به متزلزل شدن سلطه و اقتدارشان نسبت به همسرانشان است (چلبی، ۱۳۸۷: ۴۰۸).

در بررسی زمینه‌ها و بسترهای اسیدپاشی، نقش زمینه‌های خانوادگی و عوامل خطرآفرین، نظیر سابقه بزهکاری والدین، طلاق و نابسامانی‌های خانوادگی، اختلافات زناشویی، ازدواج‌های نامناسب و همچنین ضعف اعتقادات مذهبی و پایبندی به آن در این پژوهش آشکار شد؛ همچنین در بسیاری مواقع سبک زندگی بزهکاران و روابط پرمخاطره آنان و قربانیانشان، نظیر روابط نامشروع، خیانت‌های زناشویی و بی‌مبالاتی در روابط فردی

1. Karmakar
2. Vij

و اجتماعی، زمینه‌ها و بسترهای ارتکاب جرم را در آنها فراهم کرده است. نتایج پژوهش میرحسینی (۱۳۹۵)، نیز نشان داد که در بسیاری مواقع سبک زندگی پرمخاطره بزهکاران و زندگی در خانواده‌های ازهم‌گسیخته، نقش مؤثری در ارتکاب جرم دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در برخی مواقع تحقیر اجتماعی و احساس حقارتی که به دنبال آن در فرد ایجاد می‌شود می‌تواند زمینه‌های ارتکاب اسیدپاشی را افزایش دهد. چنانچه نتایج پژوهش صادقی فسایی و نیکدل (۱۳۹۴)، نیز تأییدکننده این یافته پژوهش است. تحقیر اجتماعی که معمولاً ناشی از بی‌توجهی، سرزنش، تمسخر، سرکوفت و نادیده گرفتن افراد است، پیامدهایی نظیر خشم و پرخاشگری و حتی ارتکاب جرم دارد.

انزوا و انفصال از شبکه‌های اجتماعی، قطع ارتباط با دوستان و نزدیکان و عدم بهره‌مندی از مشاوره و راهنمایی نیز از جمله مواردی است که زمینه و بستر ارتکاب جرم را در مصاحبه‌شوندگان فراهم کرده است. عواملی که مطابق با نظریه پیوند اجتماعی هرشی است نیز نقش مؤثری در ارتکاب جرم و عدم همنوایی افراد دارد. از نظر هرشی، علاقه و تعلق خاطر افراد نسبت به گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، یکی از عوامل چهارگانه پیوندهای اجتماعی و افزایش همنوایی در جامعه است که احتمال کجروی افراد در جامعه را کاهش می‌دهد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۵۳).

مدل ترسیم‌شده در شکل ۱، عوامل مداخله‌گر در ارتکاب اسیدپاشی را مقوله‌های «آشنایی و دسترسی به مواد اسیدی»، «عضویت در گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های بزهکار و خشونت‌طلب» و «ناآگاهی از مجازات و یا کم‌اثر بودن آنها» نشان می‌دهد. ساترلند در توضیح علل کجروی افراد در نظریه هم‌نشینی افتراقی به اهمیت شدت، تواتر و تداوم ارتباط با افراد بزهکار و تأثیر آن بر ارتکاب جرم اشاره کرده است و آن را عاملی مهم در فرآیند بزهکاری می‌داند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸).

یافته‌های این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که «توجیه‌سازی و مقصرائنگاری قربانیان» و «نادیده گرفتن قانون» دو مقوله و استراتژی است که اسیدپاشان در هنگام تصمیم‌گیری در

ارتکاب جرم و بعد از آن به کار می‌بندند. سایکرا و ماتزا در «نظریه توجیه‌سازی» به مسئله اشاره کرده‌اند که چگونه افراد مجرم در عین حال که به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی معتقدند، با اتکا به سازوکارهای دفاعی و شیوه‌های توجیه‌سازی، اقدام به ارتکاب جرم می‌کنند. نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد، در بسیاری مواقع اسیدپاشان با توسل به ارزش‌های بالاتر و مطرح کردن موضوعات اخلاقی، ضمن وارد کردن اتهاماتی به قربانی، سعی در توجیه عمل خود داشته‌اند. این در حالی است که «نادیده‌گرفتن قانون و خودقانون‌پنداری آنها» سبب شده است تا به بدترین شکل ممکن، فرد قربانی متحمل هزینه شود. خودمختاری افراد در مجازات، ولو اینکه فرد قربانی واقعاً خطا کار نیز باشد، علاوه بر تضعیف قانون، موجب هرج و مرج، ایجاد ترس و گسترش ناامنی می‌شود.

در برخی مواقع نیز ناآگاهی اسیدپاشان از نوع مجازات و تبعات اسیدپاشی و همچنین خلأهای قانونی و یا کم‌اثربودن مجازات نیز نقش واسطه‌ای در ارتکاب این جرم دارد. نتایج پژوهش بیسواز (۲۰۱۸)، نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر اصلاح قوانین مجازات اسیدپاشان در هند، موجب کاهش نرخ اسیدپاشی شده است. وی به این مسئله اشاره کرده است که تا پیش از اصلاح قانون، اسیدپاشی یکی از کم‌هزینه‌ترین جرائم بوده که علیه زنان رخ می‌داده است (بیسواز، ۲۰۱۸). برخی از پژوهشگران مدعی هستند، اسیدپاشی جنایتی است که می‌تواند تبعاتی به مراتب سنگین‌تر و جدی‌تر از تجاوز جنسی بر جای گذارد؛ چراکه توأمان سلامت جسمی و روانی فرد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ از این رو باید مجازات سنگین‌تری نیز داشته باشد (میتال و داتاروال، ۱۳۹۶: ۶۵۸).

باین‌حال یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، در بسیاری مواقع «مجازات و قصاص»، «ازهم‌پاشیدگی زندگی» و «طرد اجتماعی و انزوا» پیامدها و تبعات ارتکاب اسیدپاشی است که زندگی مجرمان را مختل می‌کند. اظهار پشیمانی و سرزنش مداوم، ترس از قصاص، ازهم‌پاشیدگی زندگی خانوادگی خود و اعضای خانواده و درنهایت از دست رفتن فرصت

زندگی، از مفاهیم استخراج شده در این پژوهش است که تبعات و پیامدهای اسیدپاشی را نشان می‌دهد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، به نظر می‌رسد اسیدپاشی از جمله جرائمی است که در بستر مناسبات جنسیتی قابل تعریف و تبیین است. جرمی که با هدف مجازات و تنبیه فرد قربانی و تحمیل زجر دائمی به وی اتفاق می‌افتد و اغلب تا پایان عمر اثرات و تبعات آن با قربانی باقی می‌ماند.

در این پژوهش، از میان مصاحبه‌شوندگان، پنج نفر بر روی همسر، دو نفر بر روی دوست دختر، یک نفر بر روی نامزد سابق و فقط یک نفر بر روی دوست (مرد) خود اسیدپاشیده‌اند. در این میان نکته جالب توجه نزدیکی و خویشاوندی قربانیان است که اکثراً زن هستند. هرچند در نگاه اول ممکن است برخی اسیدپاشی را به‌عنوان جرمی فردی که حاصل کنش‌ها و مناسبات شخصی و فردی قربانی و فرد اسیدپاش بوده، تفسیر کنند؛ ولی آنچه در تحلیل‌ها و تفسیرهای عمیق حاصل می‌شود، تأثیر مناسبات قدرت و جایگاه فرودست و نابرابر زنان در جامعه و خانواده است که مردان با اتکا بر آن سعی در تصاحب کردن و کنترل بدن زن را داشته‌اند و صدمه زدن به آن را نوعی مجازات برای زنانی که از هنجارهای زنانه تخطی کرده‌اند، تلقی می‌کنند. مویر (۲۰۰۲)، معتقد است تصاحب و کنترل بدن زنان توسط مردان، امری بنیادی و ساختاری است و همین مسئله موجب بروز خشونت علیه زنان می‌شود (مویر، ۲۰۰۲: ۲۵۲ به نقل از معظمی، ۱۳۸۳: ۵۱).

یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که اسیدپاشی در بسیاری مواقع نتیجه تلقی مردان از رفتارها و کنش‌های زنان قربانی است که از هنجارهای زنانه خود تخطی کرده‌اند، از نظر آنها خیانت کار، نافرمان و بی‌مسئولیت نامیده شده‌اند و بنا بر حکم آنها مستحق مجازات هستند. نتایج پژوهش آشوری و معظمی (۱۳۸۰) که با موضوع همسرکشی و انگیزه‌های آن در ۱۵ استان کشور انجام شد، نشان داد که در بسیاری مواقع مردان بدون حصول اطمینان از خیانت همسر و در بعضی موارد در صورت شکست زناشویی،

عدم تمکین جنسی، نافرمانی و حتی سهل‌انگاری در وظایف زناشویی، ممکن است سهواً و یا عمدتاً همسرشان را به قتل برسانند.

راهکارها و پیشنهادها

بر اساس نتایج پژوهش، راهکارها و پیشنهادهای زیر به منظور کاهش اسیدپاشی ارائه می‌شود:

- خریدوفروش آزاد و بدون قید و شرط مواد اسیدی موجب شده است تا دسترسی به این مواد راحت باشد؛ از این رو به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین و درعین حال اجرایی‌ترین راهبردها، اتخاذ تدابیری در خصوص کنترل خریدوفروش اسید، نظیر لزوم صدور مجوز خریدوفروش، محدود کردن مکان‌های خریدوفروش و نظارت بر فروشندگان است.
- افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم از طریق تصویب قوانین کیفری و اصلاح قوانین موجود با هدف بازدارندگی بیشتر.
- تصویب قوانین حمایتی از زنان و خانواده در راستای کاهش خشونت علیه زنان، از جمله راهکارهای قانونی است که می‌تواند در ابعاد وسیعی هزینه ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز علیه زنان را کاهش دهد.
- آگاهی‌بخشی از طریق رسانه‌های جمعی و ساخت و تولید برنامه‌های تلویزیونی در خصوص مجازات اسیدپاشی و همچنین اثرات و پیامدهای اسیدپاشی بر قربانیان.
- برگزاری جلسه‌های آموزشی کنترل خشم و حل مسئله و همچنین آموزش حقوق شهروندی در مراکز آموزشی و دانشگاهی. این امر به‌ویژه در مدارس پسرانه همراه با آموزش «رعایت حقوق زنان» و آشنایی با مصادیق خشونت علیه زنان ضروری است.
- علاوه بر اینها به نظر می‌رسد در بسیاری از مواقع، بهره‌مندی از دیدگاه‌های مشاوران و مراجعه افراد در معرض خطر برای درمان لازم و ضروری است. متأسفانه فرهنگ مراجعه به مشاور و روان‌شناس در ایران موجب شده است تا افراد دارای مشکل فردی و یا خانوادگی از حضور در جلسه‌های مشاوره و یا روان‌شناسی امتناع ورزند که این مسئله می‌تواند در

حادثه‌تر شدن مسائل و یا تحت تأثیر افراد غیرمشاور قرار گرفتن آنها نقش مهمی ایفا کند. در این راستا جدی گرفتن تهدیدهای کلامی و روان‌کاوی افراد در معرض آسیب و همچنین رسیدگی به مشکلات آشکار و پنهان افراد در خانواده و ارائه مشاوره‌های مؤثر، لازم و ضروری است.

منابع

- آقاخانی، کامران؛ مهرپیشه، شاهرخ؛ معماریان، آزاده؛ نیک‌بین، نغمه (۱۳۹۲) «بررسی اپیدمیولوژیک موارد سوختگی ناشی از مواد سوزاننده در بیمارستان شهید مطهری تهران از سال ۱۳۸۵-۹۰»، مجله علوم پزشکی رازی، دوره ۲۰، شماره ۱۱۰: ۷۱-۷۶.
- استراوس، انسلم و کوربین، چولیت (۱۳۹۰) «مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای»، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- آشوری، محمد و معظمی، شهلا (۱۳۸۰) «همسرکشی و انگیزه‌های آن (تحقیقی در ۱۵ کشور)»، موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- چلبی، ارژنگ (۱۳۸۷) «جرائم خشونت‌آمیز: انواع، عوامل و تحلیل مفهومی با تکیه بر قتل»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۸: ۳۹۷-۴۲۷.
- سبزی خوشنامی، محمد؛ محمدی، الهام؛ خانکه، حمیدرضا؛ علی‌پور، فردین (۱۳۹۴) «اسیدپاشی بر اساس تجربه قربانیان، بسترها، زمینه‌ها و پیامدها»، مسائل اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴: ۲۷-۴۹.
- صادقی فسایی، سهیلا و نیکدل، نرمین (۱۳۹۴) «مطالعه کیفی از نحوه درک و تصور کنشگران از مصادیق تحقیر اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲، دوره ۲۶: ۴۱-۵۸.
- صدیق سروسناتی، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)»، تهران: انتشارات سمت.
- کرسول، جان (۱۳۹۴) «پویش کیفی و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد»، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار، چاپ دوم.
- گراهام، فارل؛ کورتا، فیلیس و کن، بیس (۱۳۸۵) «چرا بزه‌دیدگی ثانویه اتفاق می‌افتد؟» ترجمه نوروز کارگری، مجله حقوق اسلامی، شماره ۹: ۱۴۱-۱۶۶.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۳) «جرم‌شناسی خشونت خانگی و همسرکشی در سیستان و بلوچستان»، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲: ۳۹-۵۳.
- میتال، پاوو و داتاروال، ال. اس. کی (۱۳۹۶) «اسیدپاشی: بلای جان بشر»، مترجم بهزاد جهانی و ابوطالب تقی‌پور، فصلنامه حقوق ملل، سال هفتم، شماره ۲۵: ۶۴۹-۶۵۹.
- میرحسینی، زهرا (۱۳۹۵) «پدیدارشناسی زمینه‌های ارتکاب جرم در زنان»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، دوره ۸، شماره ۲: ۱۱۳-۱۴۷.

- Asaria, J., Kobusingye, O. C., Khingi, B. A., Balikuddembe, R., Gomez, M., & Beveridge, M. (2004) "Acid burns from personal assault in Uganda", *Burns*, 30(1): 78-81.
- Biswas, M. (2018) "Comparative Situation Analysis of Acid Attack Scenario in Southern and Eastern Regions of India", *international journal of research culture society*, 2(2): 311-322.
- Kalantry, S., & Getgen Kestenbaum, J. (2011) "Combating acid violence in Bangladesh", *India and Cambodia*.
- Karmakar RN. (2003) "Forensic Medicine and Toxicology. Kolkata, Academic Publishers: 121.
- Mannan, A., Ghani, S., Clarke, A., White, P., Salmanta, S., & Butler, P. E. M. (2006) "Psychosocial outcomes derived from an acid burned population in Bangladesh, and comparison with Western norms", *Burns*, 32(2): 235-241.
- Milton, R., Mathieu, L., Hall, A. H., & Maibach, H. I. (2010). "Chemical assault and skin/eye burns: two representative cases, report from the Acid Survivors Foundation, and literature review", *Burns*, 36(6): 924-932.
- Solberg, K. (2010) "Pakistan moves to tackle acid violence", *The Lancet*, 376(9748): 1209-1210.
- Vij, K. (2008) "Textbook of Forensic Medicine and Toxicology: Principles and Practice", 5/e. Elsevier India.